



دانشگاه تهران

پردیس هنرهای زیبا

دانشکده‌ی هنرهای نمایشی و موسیقی

گروه آموزشی هنرهای نمایشی

پایان‌نامه جهت دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی

عنوان پایان‌نامه‌ی نظری:

بازنمایی مهاجران افغانستانی در ادبیات نمایشی (نمایشنامه‌نویسی) ایران، با تحلیل پسااستعماری

آثار

محمد رحمانیان، حمید امجد و نغمه ثمینی

استاد راهنما:

دکتر مجید سرسنگی

استاد مشاور:

دکتر نغمه ثمینی

عنوان پایان‌نامه‌ی عملی:

دختر وزیر

نگارش:

محمدامین نجفی

شهریورماه ۱۳۹۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دانشگاه تهران

پردیس هنرهای زیبا

دانشکده‌ی هنرهای نمایشی و موسیقی

گروه آموزشی هنرهای نمایشی

پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی

عنوان پایان‌نامه‌ی نظری:

بازنمایی مهاجران افغانستانی در ادبیات نمایشی (نمایشنامه‌نویسی) ایران، با تحلیل پسااستعماری

آثار

محمد رحمانیان، حمید امجد و نغمه ثمینی

استاد راهنما:

دکتر مجید سرسنگی

استاد مشاور:

دکتر نغمه ثمینی

عنوان پایان‌نامه‌ی عملی:

دختر وزیر

نگارش

محمدامین نجفی

شهریورماه ۱۳۹۶

باسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

دانشگاه تهران



اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره: -----

تاریخ: -----

پیوست: -----

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب **محمد مدینه** متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آن ها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

امضا:

آدرس: خیابان انقلاب - اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ - کد پستی: ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس: ۶۴۹۷۳۱۴



شماره: ۵۶۴۰-۲۰
تاریخ: ۹۶/۷/۱۰

دانشگاه تهران - پردیس هنرهای زیبا
دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی - گروه آموزشی هنرهای نمایشی

صور تجلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

با عنایت به آئین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپوسته، جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی آقای محمد امین نجفی

به شماره دانشجویی: ۹۱۱۰۹۴۱۶۷ در رشته: کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی در تاریخ: ۹۶/۶/۱۴

پایان نامه تحت عنوان - عملی: بازنمایی مهاجران افغانستانی در ادبیات نمایشی ایران.

با حضور هیئت داوران تشکیل شد و براساس کیفیت پایان نامه و نحوه دفاعیه، رای نهایی به شرح ذیل اعلام گردید.

پایان نامه مورد قبول است پایان نامه با اصلاحات مورد قبول است پایان نامه مورد قبول نیست

« دانشجو موظف گردید اصلاحات مورد نظر داوران را زیر نظر استاد راهنما انجام دهد و تا تاریخ پس از تایید استاد راهنما به دفتر گروه تحویل نماید. به عدد به حروف

تعداد واحد پایان نامه ۶ نمره نهایی پایان نامه ۱۸،۵ درجه پایان نامه

ردیف	مشخصات هیئت داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما	دکتر مجید سرسنگی	دانشیار	تهران	
۲	استاد راهنمای مشاور	دکتر نغمه ثمینی	استادیار	تهران	
۳	استاد داور	دکتر بهروز محمودی بختیاری	دانشیار	تهران	
۴	استاد داور	دکتر رحمتنا امینی	استادیار	تهران	
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر مجید سرسنگی	دانشیار	تهران	

سید علاءرضا اسلامی

اداره خدمات آموزشی و تحصیلات تکمیلی
معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی
پردیس هنرهای زیبا
دانشگاه تهران

بهروز محمودی بختیاری

معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده
هنرهای نمایشی و موسیقی

رحمت امینی

مدیر گروه آموزشی هنرهای نمایشی
پردیس هنرهای زیبا

تشکر

دکتر مجید سرسنگی و دکتر نغمه ثمینی راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه را به عهده داشتند. از راهنمایی ارزشمندشان بی‌نهایت سپاسگزارم. از علیرضا سعیدی، بابت مطالعه‌ی نمایشنامه و پیشنهادهای مفیدش در اغنای نمایشنامه تشکر می‌کنم. حسن نوری پیشنهاد کرد رمان «دختر وزیر» را تبدیل به فیلمنامه کنم. پیشنهادش به اقتباس نمایشنامه از رمان منجر شد، به خاطر ایده‌اش از او ممنونم. دوست دیگرم آرش نصر اصفهانی، پایان‌نامه‌ی دکترایش (موانع ادغام اجتماعی مهاجران و پناهندگان افغانستانی در ایران) را در اختیارم گذاشت و با حوصله مشورت داد، از ایشان نیز متشکرم.

چکیده

موضوع مهاجرت از یک کشور به کشوری دیگر، امروزه یکی از موضوعات مهم و در مواردی حتی یکی از بحران های جدی در جوامع بشری است. افرادی با هدف داشتن زندگی بهتر و امن تر، یافتن شغلی مناسب و یا گریختن از شرایط نامناسب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وطن خود - قانونی و یا غیر قانونی - به کشورهای دیگری مهاجرت می کنند. حضور این افراد در کشور دوم و ماندگاری آن ها در این جغرافیای بیگانه، موجب خلق نوعی از هنر و ادبیات می شود، که اصطلاحاً به آن «ادبیات مهاجرت» گفته می شود. این هنر و ادبیات یا توسط خود مهاجران و یا توسط هنرمندان و ادیبان مقیم کشور خلق شده و همچون آینه ای، شرایط زندگی مهاجران، تشکیل جوامع کوچک توسط آن ها، و نوع نگاه و برخورد مردم مقیم آن کشور را نسبت به آنان، منعکس می کند. تعدادی از نویسندگان و متفکران معاصر این پدیده را مورد توجه قرار داده اند. ادوارد سعید (Edward Saied) از جمله این متفکران است که با ارائه نظریه «شرق شناسی و مفهوم پسا استعماری»، منبعی گرانبها را برای بررسی علمی موضوع مهاجرت و مهاجران در جهان معاصر پدید آورده است. یکی از نکات مهمی که معمولاً مهاجران را در کشور دوم با خود درگیر می کند، مسئله «تحقیر» شدن از سوی جامعه مقیم است. این تحقیر به سه شکل ممکن: (۱) تحقیر مستقیم گروهی؛ (۲) تحقیر نمادین گروهی و (۳) تحقیر نمایندگان گروه، صورت می گیرد. از جمله راه هایی که می توان به خوبی نوع مواجهه جامعه مقیم و شیوه تحقیر مهاجران توسط آن ها را دریافت، مراجعه به آثار هنری و ادبی آن جامعه و از جمله نمایشنامه هایی است که توسط نمایشنامه نویسان با محوریت داستان ها و شخصیت های مرتبط با مهاجران خلق می شود.

حضور طولانی مهاجران افغانستانی در ایران نیز بر طبق این روال موجب عکس العمل جامعه ایرانی نسبت به افغانستانی ها شده و این موضوع در آثار ادبی و هنری ایرانیان نمود پیدا کرده است. در حوزه نمایشنامه نویسی تعداد نسبتاً قابل توجهی از آثار را می توان یافت که موضوع خود را حول محور حضور افغانستانی ها در ایران استوار کرده اند. بررسی سه نمایشنامه: خروس (محمد رحمانیان)، بی شیر و شکر (حمید امجد) و بدون خداحافظی (نغمه ثمینی) - به عنوان مورد پژوهی این تحقیق - نشان دهنده آن است که اولاً، نویسندگان ایرانی نسبت به حضور افغانستانی ها توجه نشان داده و بر اساس این حضور آثاری را خلق کرده اند، و دوماً، شکل و محتوای این آثار نشان دهنده نوع نگاه مبتنی بر نظریه پسا استعماری و نیز نگاه تحقیر آمیز بخشی از جامعه ایرانی نسبت به مهاجران افغانستانی است.

کلید واژه ها: مهاجرت، افغانستان، ایران، نمایشنامه، شرق شناسی، پسا استعماری

فهرست مطالب

۱	فصل اول
۱-۱	مقدمه
۲-۱	تعریف مسئله
۳-۱	سوالات تحقیق
۴-۱	فرضیه‌ی تحقیق
۵-۱	روش تحقیق
Error! Bookmark not defined.	فصل دوم
Error! Bookmark not defined.	۱-۲ مهاجرت
Error! Bookmark not defined.	۲-۲ تاریخچه‌ی مهاجرت افغانستانیها
Error! Bookmark not defined.	۱-۲-۲ سیاست درهای باز ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱
Error! Bookmark not defined.	۲-۲-۲ پروبلماتیزه شدن و مسئله‌ی بازگشت ۱۳۷۱-۱۳۸۵
Error! Bookmark not defined.	۱-۲-۲-۲ از پیروزی مجاهدین تا به قدرت رسیدن طالبان
Error! Bookmark not defined.	۲-۲-۲-۲ سقوط طالبان و تقویت سیاست بازگشت
Error! Bookmark not defined.	۳-۲-۲ سیاستهای ساماندهی از ۱۳۸۶ تاکنون
Error! Bookmark not defined.	۱-۲ حضور مهاجران در جهان نمادین
Error! Bookmark not defined.	فصل سوم
Error! Bookmark not defined.	ادوارد سعید و نظریه‌ی شرق‌شناسی
Error! Bookmark not defined.	۱-۳ زندگی‌نامه‌ی ادوارد سعید
Error! Bookmark not defined.	۲-۳ شرق‌شناسی
Error! Bookmark not defined.	۱-۴-۳ دامنه‌ی شرق‌شناسی
Error! Bookmark not defined.	۲-۵-۳ نژاد
Error! Bookmark not defined.	۳-۵-۳ دیگری

Error! Bookmark not defined.	سیاست درهای باز ۴-۷-۳
Error! Bookmark not defined.	ساختارها و نوساختارهای شرق‌شناسی ۱-۲-۳
Error! Bookmark not defined.	مرکز و حاشیه ۲-۲-۳
Error! Bookmark not defined.	جنسیت ۳-۲-۳
Error! Bookmark not defined.	فرودست ۴-۲-۳
Error! Bookmark not defined.	مسئله‌ی بازگشت از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۵ ۵-۲-۳
Error! Bookmark not defined.	شرق‌شناسی در عصر حاضر ۱-۳-۳
Error! Bookmark not defined.	دورگه‌بودگی ۲-۳-۳
Error! Bookmark not defined.	زبان ۳-۳-۳
Error! Bookmark not defined.	تقلید ۴-۳-۳
Error! Bookmark not defined.	سیاست ساماندهی از ۱۳۸۵ تاکنون ۵-۳-۳
Error! Bookmark not defined.	۱- جایگاه اجتماعی
Error! Bookmark not defined.	۴- فصل چهارم
Error! Bookmark not defined.	تحلیل نمایشنامه‌ها
Error! Bookmark not defined.	۲- مسئله‌ی نژاد ۲-۴
Error! Bookmark not defined.	زبان ۳-۴
Error! Bookmark not defined.	۴- مرکز و حاشیه ۴-۴
Error! Bookmark not defined.	دیگری ۵-۴
Error! Bookmark not defined.	۶- نتیجه‌گیری ۶-۴
Error! Bookmark not defined.	ضمیمه
Error! Bookmark not defined.	دختر وزیر

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

از مهاجرت تعداد کثیری از شهروندان افغانستانی به ایران - به علت حمله‌ی شوروی به افغانستان و روی کار آمدن حکومت کمونیستی در این کشور - حدود سی و هفت سال می‌گذرد. پس از آن رخداد، ایران و پاکستان به دلیل داشتن اشتراک بسیار فرهنگی، زبانی، تاریخی، دینی و سیاسی با افغانستان - که بالطبع تمایل افغان‌ها برای حضور در این دو کشور را سبب می‌شد - با انبوه مهاجران روبرو شدند. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده (در فصل دوم به آن‌ها اشاره خواهد شد)، در این مهاجرت، پشتون‌ها بیشتر به سوی پاکستان و هزاره‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها بیشتر به سمت ایران رهسپار شدند.

اینکه کشور پاکستان چگونه با مهاجران روبرو شد و در مقابل این سیل انسانی چه رویه‌ای را در پیش گرفت، با موضوع این رساله مرتبط نیست؛ لذا علی‌رغم اهمیت آن و تأثیری که بر زندگی هزاران هزار مرد، زن و کودک افغانستانی داشته است، از پرداختن به آن صرف نظر می‌کنیم و تنها به بحث حضور مهاجران افغانستانی در ایران می‌پردازیم.

ایران با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی‌ای که آن زمان داشت، تعداد محدود مهاجران را در کمپ جابجا کرد و اجازه داد اکثریت مهاجران وارد شهرها و روستاها شوند و در کنار شهروندان ایرانی زندگی کنند. مهاجرپذیری مردم بومی ایران ریشه در پیشینه‌ی تاریخی، فرهنگی، زبانی و دینی‌شان در مورد مهاجران داشت. (چهار دلیل دیگر نیز در کنار پیشینه‌ی مشترک مطرح است که در فصل سوم زیر عنوان سیاست درهای باز آمده است.) اشتراک زبانی (فارسی یا فارسی دری)، فرهنگی (فرخی، فردوسی، مولانا، سنایی، جامی، عطار و...) و اشتراک دینی (دین اسلام) تا هنوز برقرار است. ایران و افغانستان به واسطه‌ی ایجاد مرزهای سیاسی فعلی بعد از به قدرت رسیدن امیرعبدالرحمن^۱، از نظر تاریخی و سیاسی از هم جدا شدند. البته نخستین جدایی این دو کشور به تغییر نام خراسان به افغانستان برمی‌گردد. «در قرن نوزدهم، خراسان جای خودش را به اسم تازه‌ی افغانستان داد. در قرن دهم کلمه‌ی "افغان" که معرب "اوغان" بود، در مورد قسمتی از قبایل پشتون کشور در آثار نویسندگان اسلامی پدیدار شد و به تدریج مفهوم آن وسیع‌تر می‌شد تا در قرن هجدهم به کلیه‌ی پشتون‌های کشور اطلاق گردید. اما نام "افغانستان" برای بار اول در قرن سیزدهم در مورد قسمتی از ولایات شرقی کشور اطلاق شد. در قرن چهاردهم این اسم، مخصوص علاقه‌ی تخت سلیمان و ماحول آن در مشرق کشور بود. در قرن شانزدهم علاقه‌های ۲ جنوب کابل، عنوان ملک افغان گرفت و در قرن هجدهم از دریای سند تا کابلستان و از نزدیک کشمیر و نورستان تا قندهار و ملتان، مسکن افغان‌ها خوانده شد. بالاخره در قرن نوزدهم نام "افغانستان" به صفت نام رسمی این کشور قرار گرفت» (غبار، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۲).

۱ شاه افغانستان از ۱۸۸۰-۱۹۰۱.

۲ واحدهای اداری. به جای ولایت یا استان، علاقه‌داری استفاده می‌شد.

نام باعث شد انسان خراسانی به انسان ایرانی و افغانستانی تقسیم شود و در سال ۱۳۵۸ (۱۹۸۰م.) وقتی گروه انسان از آنجا به اینجا تغییر مکان می‌دهند به نام مهاجران افغانی^۳ یاد می‌شوند. بنا به شرایط امنیتی و اقتصادی، مهاجران در ایران ماندگار شدند و مسئله‌ی بازگشت این گروه به گفتمان تبدیل شد. در سال ۱۳۶۸ مجلس ایران برای اولین بار در این مورد بحث کرد و رسانه‌های رسمی کشور بازتاب‌دهنده‌ی سیاست جامعه‌ی میزبان شدند. آرام آرام مهاجران در مظاهر فرهنگی ایران یعنی ادبیات، سینما و تئاتر نمود پیدا کردند. حضور مهاجران افغانستانی در ایران هرچند در ابتدا پشتوانه‌ای سیاسی، اجتماعی، عقیدتی و همچنین اقتصادی داشت، هرچه از آن می‌گذشت، عناصر فرهنگی نیز در آن جلوه‌گر می‌شد. حضور افغانستانی‌ها در ادبیات و هنر ایران تدریجی و آرام اتفاق افتاد. سیر این حضور را از ابتدا تا زمان حاضر شاید بتوان در چند مرحله‌ی مهم خلاصه کرد:

- ابتدا نویسندگان و هنرمندان ایرانی شروع به استفاده از شخصیت‌های افغانستانی - و نیز موضوعاتی که مرتبط با کشور افغانستان است - در آثار خود کردند. این آثار گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم به مسئله‌ی افغانستان و افغانستانی‌ها (چه در ایران و چه در افغانستان) می‌پرداخت.
- با ادامه‌ی حضور افغانستانی‌ها در ایران، تعدادی از آن‌ها توانستند تحصیلات خود را در سطوح متوسطه و عالی ادامه دهند و برخی نیز خود در مقام هنرمند و نویسنده، خالق آثاری شدند که به سرنوشت هم‌میهنانشان در افغانستان و ایران می‌پرداخت.
- با افزایش تعداد آثار ادبی و هنری‌ای که در مورد افغانستان و افغانستانی‌ها تولید شد، نهادهای دانشگاهی و تحقیقاتی نیز به این موضوع عکس‌العمل نشان دادند و تحقیقات مختلفی در خصوص ادبیات و هنر ایرانی مرتبط با افغانستانی‌ها صورت گرفت.

از جمله آثار هنری که با موضوع و شخصیت‌های مرتبط با افغانستان و افغانستانی‌ها توسط نویسندگان ایرانی خلق شده است، می‌توان به نمایشنامه‌هایی اشاره کرد که تعدادی از آن‌ها نیز شانس اجرا شدن را پیدا کرده‌اند. در رساله‌ی حاضر، بازنمایی مهاجران افغانستانی در ادبیات نمایشی (نمایشنامه‌نویسی) با تکیه بر نظریه‌ی شرق‌شناسی و دیگر مفاهیم پسااستعماری، مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. در این نوشتار بازنمایی مهاجران افغانستانی در ادبیات نمایشی با تکیه بر نظریه‌ی شرق‌شناسی و دیگر مفاهیم پسااستعماری بررسی می‌شود. این بررسی برای نگارنده با خوانش نمایشنامه‌های چاپ‌شده با موضوع مهاجران

^۳ در ایران برای مهاجران افغانستانی واژه‌ی افغانی، افغانه و آفی (در محیط‌های کارگری) استفاده می‌شود. واژه‌ی افغان در داخل کشور افغانستان دو بارمعنایی دارد. اول: واحد پول افغانستان، افغانی است. دوم: افغان به قوم پشتون نیز گفته می‌شود. بنا به شواهد تاریخی اسم کشور افغانستان نیز به این قوم برمی‌گردد. بنا به پژوهش‌های انجام‌یافته، واژه‌ی افغانی یا افغانه بار کوچک‌بینی یا تحقیر به خود گرفته و اکثر مهاجران از این کلمه ناخشنودند. ناگفته نماند مهاجرین افغانستانی در ایران از نژاد متفاوت هستند؛ افراد مربوط به نژاد غیرپشتون یا «افغان»، خود را مربوط به واژه‌ی افغانی نمی‌دانند مگر اینکه به آن‌ها افغانستانی اطلاق شود که نشان‌دهنده‌ی تابعیت افغانستان است. در این نوشتار واژه‌ی افغانستانی استفاده خواهد شد. از کلمه‌ی افغانی در صورت گزارش‌های زندگی افغانستانی‌ها در ایران استفاده می‌گردد. در مورد استفاده‌ی واژه‌ی افغانی و افغانستانی بین فرهنگیان افغانستان اختلاف نظر وجود دارد.

با توجه با برداشت پیشین از مهاجرین و جامعه‌ی ایران اهمیت پیدا کرد. (نگاه‌ها و برداشتها از داخل افغانستان نسبت به مهاجرین افغانستانی در ایران متفاوت است.) برای اینکه به درستی ردپای مهاجران در ادبیات نمایشی ایران جست‌وجو شود و تحلیل درستی به دست آید نیاز است متن ساختارمند پدید آید تا بازنمایی قابل تحلیل شود.

مفهوم شرق‌شناسی که به معنی امروزی ابداع ادوارد سعید، محقق آمریکایی فلسطینی‌تبار است، چارچوب نظری این رساله را تشکیل می‌دهد. شرق‌شناسی، مفهومی استعماری است. ادوارد سعید، نگاه غرب به شرق به ویژه خاورمیانه و شرق اسلامی را در بستر تاریخی بررسی کرده است. کتاب او نیز به همین عنوان است. دو دلیل باعث انتخاب شرق‌شناسی به عنوان چارچوب نظری این رساله شد؛ اول اینکه شرق‌شناسی، پژوهشی همه‌جانبه در تاریخ، سیاست و ادبیات غرب است و توضیح می‌دهد نگاه غرب به شرق در ادوار مختلف چگونه و چطور بوده است. چگونه دچار تغییر شده و ابزارهای استعمار چه تفاوتی کرده است. در این پژوهش از کلیه‌ی ابزارهایی که در خدمت استعمار قرار گرفته یاد شده و ارجاع داده می‌شود. در این رساله سه نمایشنامه با موضوع مهاجران افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد تا واضح شود به عنوان مظاهر فرهنگی آیا جامعه‌ی میزبان، ابزار استعمار شده است یا نه.

دلیل دوم این است که کتاب شرق‌شناسی (این کتاب از استعمار مصر و هند توسط بریتانیا تا استعمارگری آمریکای امروز را بررسی می‌کند)، این بازه‌ی زمانی را تحت عنوان‌های سه‌گانه چارچوب‌بندی کرده است: بخش اول دامنه‌ی شرق‌شناسی، بخش دوم ساختارها و نوساختار و بخش سوم شرق‌شناسی در عصر حاضر نام‌گذاری شده است. این شکل یا سه‌گانه، با سه مرحله از زندگی مهاجران افغانستانی در ایران تطبیق داده شده و از مفاهیم پسااستعماری برای تحلیل نمایشنامه‌ها استفاده می‌شود. در بخش اول سعید در جست‌وجوی ریشه‌ی کلمه‌ی شرق‌شناسی است و نگاه غرب (امپراتوری بریتانیای کبیر و امپراتوری فرانسه) به شرق (مصر و هند) را بررسی می‌کند. در بخش دوم نویسنده به شکل جدیدی از شرق‌شناسی می‌رسد که از آن با نام «شرق‌شناسی آزمایشگاهی» یاد می‌کند. زبان و ادبیات شرق مورد توجه قرار می‌گیرد و شناخت، بیشتر به میانجی زبان صورت می‌یابد. مرحله‌ی سوم، شرق‌شناسی در عصر حاضر است. در این مرحله غرب اروپایی جایش را به ایالات متحده‌ی آمریکا می‌دهد و روش شناخت غرب جدید نسبت به شرق متفاوت است. از آنجا که سعید شرق‌شناسی را مفهومی استعمارگرایانه می‌داند (رابطه‌ی بین جغرافیا، استعمار، فرهنگ و ادبیات)، از اول تا آخر کتاب در پی اثبات استعمار شرق توسط غرب است. در رساله‌ی حاضر متون نمایشی به این شیوه تحلیل خواهد شد.

در کنار مفهوم شرق‌شناسی هشت مفهوم پسااستعماری دیگر نیز معرفی می‌شود و در تحلیل نمایشنامه‌های «خروس»، «بی‌شیر و شکر» و «بدون خداحافظی»، در فصل اخیر استفاده می‌شود. پژوهشگران معتقدند مفهوم‌های استعماری در حال تغییراند و هنوز سیر تکوینی خویش را نپیموده‌اند. آن‌ها از مفاهیمی مثل هم‌آمیزی و ذات‌باوری نیز یاد کرده‌اند. شیوه‌ی بررسی در رساله‌ی حاضر چنین است:

- دامنه‌ی شرق‌شناسی با مفهوم‌های نژاد، دیگری و سیاست درهای باز ایران در قبال مهاجران

- ساختارها و نوساختارها با مفهومی‌های مرکز و حاشیه، جنسیت، فرودست و مسئله‌ی بازگشت مهاجران
 - شرق‌شناسی معاصر با مفهومی‌های دورگه‌بودگی، زبان و تقلید و سیاست ساماندهی در قبال مهاجران
- آوردن سلسله‌ی این مراحل کمک می‌کند تا روشن شود ایدئولوژی و رفتار مراحل اول چه در شرق‌شناسی و چه در زندگی مهاجرین، در مراحل بعدی بی‌تأثیر نیست؛ در واقع سیر تسلسل دارد و حتی جهان نمادین را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دو نکته لازم به توضیح است؛ اول اینکه سعید شناخت بین تمدنی دارد. یعنی از زاویه دید غرب به تمدن شرق نگاه و شروع به شرق‌شناسی می‌کند. می‌توان گفت سوژه، انسان شرقی است نه تمدن شرقی. نتیجه‌گیری سعید نیز به انسان شرقی ختم می‌شود. انسان شرقی است که فرومرتب است و نمی‌تواند پیش‌برنده‌ی امور خویش باشد و نیاز به مداخله‌ی ذهن فرزانه‌ی غربی دارد. در بحث مهاجران افغانستانی در ایران نیز بحث اشتراک کنار گذاشته شده و انسان افغانستانی مهاجر که مسئله‌اش همیشه جدا از جامعه‌ی میزبان مطرح است، بررسی می‌شود. از طرف دیگر شناخت و بازنمایی کشور افغانستان در جهان نمادین نیز از کانال مهاجران صورت می‌گیرد. نکته‌ی دوم اینکه، نگاه سعید در شرق‌شناسی نگاه پسااستعماری (استعمار از طریق فرهنگ، زبان، ادبیات و ایدئولوژی) است. این متن نیز وضعیت مهاجرین را در جهان متن یا نمادین با این رویکرد بررسی می‌کند.

در فصل چهارم، نمایشنامه‌های خروس، بی‌شیر و شکر و بدون خداحافظی با مفهومی‌های نژاد، زبان، مرکز و حاشیه و دیگری تحلیل می‌شود.

در پایان، نمایشنامه‌ی «دختر وزیر» به عنوان کار عملی ضمیمه شده است. این نمایشنامه براساس رمان «دختر وزیر» نوشته‌ی لیلیاس هملتون، طبیب دربار امیرعبدالرحمن خان، نگاشته شده است. یادآوری می‌شود که این رمان به نحوی بازنمایی هزاره‌ها در اثر به حساب می‌آید و بی‌ارتباط با موضوع پژوهش نیست.

۱-۲ تعریف مسئله

مسئله‌ی مهاجرت و مهاجران، از نکاتی مهم در جامعه‌شناسی دنیای معاصر محسوب می‌شود. دولت و مردم هر کشور نسبت به این موضوعات واکنش‌های مختلفی دارند که به فرهنگ و شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی این کشورها و مردم آن‌ها بستگی دارد. یکی از نکاتی که معمولاً در مواجهه با مهاجران و جامعه‌ی میزبان وجود دارد، مسئله‌ی «تحقیر» است. عموماً هویت گروهی می‌تواند به سه شکل تحقیر شود:

۱. تحقیر مستقیم گروهی

در این حالت اعضای یک گروه صرفاً به خاطر اینکه عضو یک گروه خاص هستند تحقیر می‌شوند. مثلاً اگر در یک فرودگاه با هدف جلوگیری از اقدامات تروریستی، باجه‌ی خاصی برای مسلمانان تعبیه شود و مسلمانان مورد بازجویی بیش از حد معمول قرار گیرند، می‌توان به آن نام «تحقیر مستقیم» را داد.

۲. تحقیر نمادین گروهی

در این حالت همه‌ی اعضای یک گروه به طور مستقیم با عمل تحقیرکننده مواجه نمی‌شوند بلکه نماد گروه و در نتیجه شأن گروهی مورد تحقیر قرار می‌گیرد. مثلاً نحوه‌ی نمایش یک گروه در یک سریال تلویزیونی می‌تواند تحقیر نمادین محسوب شود. از این جهت یک تفاوت مهم میان تحقیر مستقیم و تحقیر نمادین وجود دارد زیرا تحقیر نمادین ممکن است به قصد تحقیر انجام نشود یا اصلاً تحقیرکننده محسوب نشود.

۳. تحقیر نمایندگان گروه

در این شکل از تحقیر کل گروه به واسطه‌ی تحقیر یک یا چند عضو آن تحقیر می‌شود. معمولاً در این نوع تحقیر گروهی، دو شکل قبلی با هم ترکیب می‌شوند. فرد به سبب عضویت در یک گروه تحقیر می‌شود و این تحقیر فردی، جنبه‌های نمادین برای تحقیر گروه پیدا می‌کند. در واقع در این شکل، تحقیر یک فرد متوجه بخش جمعی هویت اوست و در نتیجه یک گروه و نه صرفاً یک فرد تحقیر می‌شود مانند خشونت پلیس علیه سیاه‌پوستان در آمریکا. بر این اساس تحقیر یکی از مؤلفه‌های مهم در زندگی گروه‌های طرد شده یا مورد تبعیض به حساب می‌آید. (نوهارزر، ۲۰۱۰: ۲۱-۳۶)

عباس محمدی و سمیع‌الله عطایی طی تحقیقی بازنمایی مهاجران افغانستانی در سینمای مستند و سینمای داستانی ایران را مورد توجه خود قرار داده و نتیجه گرفته‌اند مهاجران افغانستانی به شکل دیگری، فرودست و تحقیرشده بازنمایی شده‌اند. آرش اصفهانی نیز در پایان‌نامه‌ی خود تحت عنوان «موانع ادغام اجتماعی مهاجران و پناهندگان افغانستانی در ایران» به این موضوع پرداخته که نتایجی مشابه با تحقیق پیشین به دست آورده است.^۶

مسئله‌ی اصلی در این رساله، نحوه‌ی مواجهه‌ی جامعه‌ی ایرانی با مهاجران افغانستانی است. محقق در این راستا توجه خود را بر شکل بازنمایی شخصیت‌های افغانی در تعدادی از نمایشنامه‌های ایرانی معطوف کرده است. در واقع در این رساله تلاش می‌شود که از طریق بررسی آثار نمایشنامه‌نویسان مطرح ایرانی نشان داده شود که مهاجران افغانستانی چگونه در ذهن جامعه‌ی ایرانی نقش بسته‌اند. در این تحقیق، بررسی کیفیت بازنمایی مهاجران افغانی در نمایشنامه‌نویسی ایران با تکیه بر چارچوب نظری «نقد پسااستعماری» با تمرکز به کتاب «شرق‌شناسی» اثر ادوارد سعید^۷ صورت خواهد گرفت.

۱-۳ سوال‌های تحقیق

سوال اصلی تحقیق حاضر به این قرار است: «مهاجران افغانی در نمایشنامه‌های ایرانی چگونه بازنمایی شده‌اند؟»

۴ Neuhauser

۵ عطایی، سمیع‌الله (۱۳۹۳)، *بازنمایی افغانستان در سینمای داستانی ایران و محمدی، عباس (۱۳۹۳)، بررسی نحوه‌ی بازنمایی مهاجران افغانستانی در سینمای مستند ایران.*

۳ نصر اصفهانی، آرش (۱۳۹۴)، *موانع ادغام مهاجران و پناهندگان افغانستانی در ایران.*

۷ سعید، ادوارد (۱۳۹۴) *شرق‌شناسی، مترجم لطفعلی خنجی.*